

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسماعیل فرره را  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: علی مشرف  
۲۶ فبروری ۲۰۲۵

## نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی: سلطه فراتر از زور



آنتونیو گرامشی، فیلسوف و فعال سیاسی ایتالیایی، مفهوم «هژمونی» را به عنوان ابزاری قدرتمند برای تحلیل چگونگی حفظ قدرت توسط طبقات حاکم معرفی کرد. این نظریه، فراتر از تحلیل صرف قدرت اقتصادی و سیاسی، به نقش فرهنگ، ایدئولوژی و جامعه مدنی در تثبیت سلطه یک گروه بر گروه دیگر می‌پردازد.

### هژمونی چیست؟

به زبان ساده، هژمونی به معنای سلطه و چیرگی یک گروه اجتماعی بر گروه‌های دیگر است، اما نه صرفاً از طریق زور و اجبار، بلکه از طریق کسب رضایت و موافقت. به عبارت دیگر، هژمونی وضعیتی است که در آن، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای یک گروه به عنوان طبیعی و بدیهی پذیرفته می‌شود و گروه‌های دیگر نیز خود را ملزم به پیروی از آنها می‌دانند.

### عناصر کلیدی نظریه هژمونی گرامشی

- \* - جامعه مدنی: گرامشی بر اهمیت جامعه مدنی در حفظ هژمونی تأکید می‌کند. نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، کلیسا و احزاب سیاسی، همگی در شکل‌دهی افکار عمومی و تولید رضایت برای حاکمیت نقش دارند.
- \* - روشنفکران ارگانیک: روشنفکرانی که در خدمت منافع طبقه حاکم هستند و با تولید ایده‌ها و ارزش‌هایی که از سلطه موجود حمایت می‌کنند، به حفظ هژمونی کمک می‌کنند.

- \* - جنگ موقعیتی: گرامشی معتقد است که مبارزه طبقاتی تنها به شکل آشکار و مستقیم رخ نمی‌دهد، بلکه به صورت یک جنگ موقعیتی مداوم در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی جریان دارد.
- \* - هژمونی به‌عنوان یک فرایند: هژمونی یک وضعیت ثابت نیست، بلکه یک فرایند پویا و در حال تغییر است که نیاز به بازتولید و تقویت مداوم دارد.
- برای مثال:
- \* - سیستم آموزشی: نظام آموزشی اغلب به عنوان ابزاری برای انتقال ارزش‌ها و باورهای حاکم عمل می‌کند و به این ترتیب، به حفظ هژمونی کمک می‌کند.
- \* - رسانه‌ها: رسانه‌ها با شکلهای افکار عمومی و ارائه روایت‌های خاص از رویدادها، به تقویت هژمونی کمک می‌کنند.
- \* - زبان: زبان نیز ابزاری قدرتمند برای تولید و بازتولید هژمونی است.
- \* - مذهب: دین می‌تواند به عنوان یک ابزار برای مشروعیت بخشیدن به قدرت و حفظ نظم اجتماعی عمل کند.

### اهمیت نظریه هژمونی گرامشی

- نظریه هژمونی گرامشی به ما کمک می‌کند تا:
- \* - قدرت را فراتر از زور ببینیم: این نظریه نشان می‌دهد که قدرت تنها در دست کسانی نیست که ابزارهای فیزیکی زور را در اختیار دارند، بلکه قدرت در دل فرهنگ، ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی نیز نهفته است.
- \* - مقاومت در برابر سلطه را بهتر درک کنیم: با درک مکانیسم‌های هژمونی، می‌توانیم راه‌های مؤثرتری برای مبارزه با سلطه و ایجاد تغییر اجتماعی بیابیم.
- \* - نقش فرهنگ و ایدئولوژی را در شکلهای جامعه بهتر درک کنیم: این نظریه به ما کمک می‌کند تا اهمیت فرهنگ و ایدئولوژی را در شکلهای به باورها، ارزش‌ها و رفتارهای ما بهتر درک کنیم.

### انتقادات از نظریه هژمونی گرامشی

- برخی منتقدان معتقدند که این نظریه بیش از حد بر نقش فرهنگ و ایدئولوژی در حفظ قدرت تأکید می‌کند و نقش عوامل اقتصادی و سیاسی را نادیده می‌گیرد. همچنین، برخی دیگر معتقدند که این نظریه در توضیح تغییرات سریع و ناگهانی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی ناکافی است.
- در نهایت، نظریه هژمونی گرامشی یک ابزار تحلیل قدرتمند است که به ما کمک می‌کند تا دنیای اجتماعی را به شیوه‌ای پیچیده‌تر و جامع‌تر درک کنیم. با استفاده از این نظریه، می‌توانیم به تحلیل بهتر روابط قدرت، مبارزات اجتماعی و تغییرات فرهنگی بپردازیم.

### تفاوت بین نظریه هژمونی گرامشی و سلطه

- هژمونی و سلطه دو مفهوم کلیدی در تحلیل قدرت هستند که اگرچه مرتبط اند اما تفاوت‌های مهمی دارند.

#### سلطه چیست

- تعریف: سلطه به معنای اعمال قدرت مستقیم و آشکار بر دیگری است. این قدرت می‌تواند از طریق زور، تهدید، یا کنترل منابع مادی اعمال شود.

## ویژگی‌ها:

- \* - آشکار و مستقیم: سلطه بر احتی قابل مشاهده است.
- \* - زور محور: معمولاً با استفاده از نیروی فیزیکی یا تهدید به آن اعمال می‌شود.
- \* - اجباری: افراد تحت سلطه، مجبور به اطاعت می‌شوند.

## هژمونی

تعریف: هژمونی به معنای سلطه نرم و غیرمستقیم است. در این حالت، گروه حاکم به جای استفاده از زور، از طریق ایدئولوژی، فرهنگ، و نهادهای اجتماعی، رضایت گروه‌های تحت سلطه را جلب می‌کند.

## ویژگی‌ها:

- \* - پنهان و غیرمستقیم: هژمونی به صورت نامرئی عمل می‌کند و به تدریج در ذهن‌ها نفوذ می‌کند.
- \* - رضایت محور: گروه‌های تحت سلطه، به صورت داوطلبانه ارزش‌ها و باورهای گروه حاکم را می‌پذیرند.
- \* - تغییر دهنده: هژمونی به دنبال تغییر درک و واقعیت و تعریف منافع توسط افراد است.

مثال:

- \* - سلطه: یک دولت استبدادی که با استفاده از نیروی نظامی مخالفان خود را سرکوب می‌کند.
  - \* - هژمونی: یک شرکت بزرگ که با تبلیغات گسترده، محصولات خود را به عنوان بهترین و ضروری‌ترین محصولات معرفی می‌کند و به این ترتیب، مصرف‌کنندگان را به خرید آن‌ها ترغیب می‌کند.
- به طور خلاصه، سلطه بر پایه زور و اجبار است، در حالی که هژمونی بر پایه رضایت و پذیرش است. هژمونی به عنوان یک شکل پیچیده‌تر و مؤثرتر از قدرت تلقی می‌شود، زیرا به جای مقابله مستقیم با مخالفان، به دنبال تغییر درک آن‌ها از واقعیت است.
- نکته مهم: هژمونی و سلطه دو مفهوم جدا از هم نیستند و اغلب در کنار هم عمل می‌کنند. یک رژیم ممکن است از ترکیبی از هر دو برای حفظ قدرت خود استفاده کند.

## شناسایی هژمونی در جامعه بر اساس نظریه گرامشی

نظریه هژمونی گرامشی ابزاری قدرتمند برای تحلیل چگونگی اعمال قدرت در جوامع است. اما چگونه می‌توانیم این هژمونی را در عمل شناسایی کنیم؟

نشانه‌های اصلی هژمونی در جامعه عبارتند از:

- \* - پذیرش گسترده ارزش‌ها و باورهای خاص: هنگامی که یک مجموعه خاص از ارزش‌ها، باورها و هنجارها به طور گسترده در جامعه پذیرفته شده و به عنوان طبیعی و بدیهی تلقی شود، می‌توان به وجود هژمونی شک کرد.
- \* - تسلط یک ایدئولوژی واحد: اگر یک ایدئولوژی خاص بر سایر ایدئولوژی‌ها غالب باشد و به عنوان تنها روایت معتبر از واقعیت ارائه شود، این نشانه‌ای از وجود هژمونی است.
- \* - کنترل رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی: گروه‌های حاکم معمولاً تلاش می‌کنند تا رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی را تحت کنترل خود درآورند تا بتوانند پیام‌های خود را به طور مؤثر منتشر کنند و دیدگاه‌های مخالف را سرکوب کنند.

- \* وجود روشنفکران ارگانیک: روشنفکرانی که به طور فعال از منافع گروه حاکم دفاع می‌کنند و ایده‌های آن‌ها در جامعه گسترش می‌یابد، می‌توانند نشانه‌ای از وجود هژمونی باشند.
- \* مشروعیت بخشی به نابرابری‌ها: اگر نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان طبیعی و اجتناب‌ناپذیر پذیرفته شوند، این نشانه‌ای از وجود هژمونی است.
- \* ضعف جنبش‌های اجتماعی: اگر جنبش‌های اجتماعی برای تغییر وضعیت موجود با موانع جدی روبه‌رو شوند و نتوانند به طور مؤثر عمل کنند، این می‌تواند نشانه‌ای از وجود هژمونی قوی باشد.

### مراحل شناسایی هژمونی:

- \* شناسایی گروه‌های اجتماعی مختلف: ابتداء باید گروه‌های اجتماعی مختلفی که در جامعه وجود دارند را شناسایی کرد.
  - \* بررسی روابط قدرت بین گروه‌ها: سپس باید روابط قدرت بین این گروه‌ها را بررسی کرد تا مشخص شود کدام گروه‌ها بر گروه‌های دیگر سلطه دارند.
  - \* تحلیل ایدئولوژی‌های غالب: باید ایدئولوژی‌های غالب در جامعه را تحلیل کرد و بررسی کرد که چگونه این ایدئولوژی‌ها به نفع گروه‌های حاکم عمل می‌کنند.
  - \* بررسی نقش نهادهای اجتماعی: نقش نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، دین و دولت در تولید و بازتولید هژمونی را بررسی کرد.
  - \* تحلیل گفتمان‌های عمومی: گفتمان‌های عمومی در مورد مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تحلیل کرد تا ببینیم چه ایده‌هایی در این گفتمان‌ها غالب هستند.
- مثال:

در یک جامعه سرمایه‌داری، هژمونی ممکن است به این صورت خود را نشان دهد که ایده‌های فردگرایی، رقابت و مصرف‌گرایی به عنوان ارزش‌های اصلی جامعه پذیرفته شده باشند. رسانه‌ها به طور مداوم این ایده‌ها را تبلیغ می‌کنند و هرگونه انتقادی نسبت به این ارزش‌ها سرکوب می‌شود. در چنین جامعه‌ای، نابرابری‌های اقتصادی به عنوان یک امر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر پذیرفته شده است و جنبش‌های اجتماعی که برای ایجاد عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، با موانع جدی روبرو می‌شوند.

### نشانه‌ها و ریشه‌های نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی را در نظریات مارکس، انگلس و لنین:

- اگرچه گرامشی مفاهیم جدیدی را به حوزه تحلیل قدرت و جامعه اضافه کرد، اما او بشدت تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی بود و نظریه‌های خود را بر پایه این اندیشه‌ها بنا نهاد.
- در زیر به برخی از ارتباطات بین نظریات گرامشی و مارکسیسم اشاره می‌شود:
- \* مبارزه طبقاتی: هم مارکسیسم و هم نظریه هژمونی بر اهمیت مبارزه طبقاتی در جامعه تأکید دارند. مارکس و انگلس معتقد بودند که تاریخ جوامع بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است و گرامشی نیز این ایده را توسعه داد و بر نقش فرهنگ و ایدئولوژی در این مبارزه تأکید کرد.
- \* نقش آگاهی طبقاتی: مارکسیست‌ها بر اهمیت آگاهی طبقاتی برای تحول اجتماعی تأکید می‌کردند. گرامشی نیز معتقد بود که روشنفکران ارگانیک می‌توانند با آگاهی بخشی به طبقات تحت ستم، به تحول جامعه کمک کنند.

\* - نقش دولت و ایدئولوژی: مارکسیست‌ها به نقش دولت در حفظ منافع طبقه حاکم و اهمیت ایدئولوژی در توجیه این حاکمیت اشاره می‌کردند. گرامشی نیز با مفهوم هژمونی، به نقش ایدئولوژی در کسب رضایت و مشروعیت برای حاکمیت پرداخت.

\* - اهمیت جامعه مدنی: اگرچه مارکس و انگلس بیشتر بر تحلیل ساختارهای اقتصادی تمرکز داشتند، اما گرامشی با معرفی مفهوم جامعه مدنی، بر اهمیت نهادهای فرهنگی و اجتماعی در حفظ هژمونی تأکید کرد.

\* - لنین و حزب انقلابی: لنین بر نقش حزب انقلابی در رهبری پرولتاریا و براندازی نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کرد. گرامشی نیز به نقش احزاب سیاسی در مبارزه طبقاتی و ایجاد هژمونی جایگزین اشاره داشت.

به طور خلاصه، نظریه هژمونی گرامشی را می‌توان به عنوان یک توسعه و تکامل نظریه‌های مارکسیستی در نظر گرفت. گرامشی با تمرکز بر نقش فرهنگ، ایدئولوژی و جامعه مدنی، به تحلیل پیچیده‌تری از قدرت و مبارزه طبقاتی دست یافت. او به نظریه مارکسیستی یاری رساند و آن را گسترش داد تا بتواند تحولات اجتماعی و فرهنگی را بهتر درک کند.

### اما تفاوت‌هایی نیز بین نظریات گرامشی و مارکسیسم کلاسیک وجود دارد:

\* - تأکید بر فرهنگ و ایدئولوژی: گرامشی بیشتر بر نقش فرهنگ و ایدئولوژی در حفظ قدرت تأکید می‌کرد، در حالی که مارکسیست‌های کلاسیک بیشتر بر نقش اقتصاد متمرکز بودند.

\* - اهمیت جامعه مدنی: گرامشی با معرفی مفهوم جامعه مدنی، به تحلیل نقش نهادهای فرهنگی و اجتماعی در حفظ هژمونی پرداخت، در حالی که مارکسیست‌های کلاسیک کمتر به این موضوع پرداخته بودند.

\* - نقش روشنفکران: گرامشی با معرفی مفهوم روشنفکران ارگانیک، بر نقش روشنفکران در مبارزه طبقاتی تأکید کرد، در حالی که مارکسیست‌های کلاسیک کمتر به این موضوع پرداخته بودند. (روشنفکر ارگانیک در نظریه گرامشی: پل ارتباطی بین توده و حاکمیت است.)

روشنفکر ارگانیک، یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی است که به نقش ویژه ای که برخی افراد در ایجاد و حفظ هژمونی یک گروه اجتماعی ایفا می‌کنند، اشاره دارد.

### روشنفکر ارگانیک کیست؟

\* - بخشی از یک کل: روشنفکر ارگانیک فردی نیست که از بیرون به یک گروه اجتماعی وارد می‌شود، بلکه به طور طبیعی و ارگانیک از دل آن گروه بیرون می‌آید و با ارزش‌ها، باورها و منافع آن گروه عجین شده است.

\* - ترجمان گروه: این افراد، تفکرات، احساسات و خواسته‌های گروه خود را به زبان روشن و قابل فهمی بیان می‌کنند و به نوعی پل ارتباطی بین توده و حاکمیت هستند.

\* - ایجاد هویت جمعی: روشنفکران ارگانیک با ایجاد یک هویت جمعی قوی، به انسجام و یکپارچگی گروه خود کمک می‌کنند.

\* - تثبیت هژمونی: آن‌ها با توجیه و مشروعیت بخشیدن به منافع گروه خود، به تثبیت هژمونی آن کمک می‌کنند.

### تفاوت روشنفکر ارگانیک با روشنفکر سنتی:

\* - روشنفکر سنتی: فردی است که خود را مستقل از هر گروه اجتماعی می‌داند و به دنبال حقیقت مطلق است.

- \* - روشنفکر ارگانیک: فردی است که به یک گروه اجتماعی تعلق دارد و منافع آن گروه را نمایندگی می‌کند. مثال‌هایی از روشنفکران ارگانیک:
- \* - روحانیون: در بسیاری از جوامع، روحانیون به عنوان روشنفکران ارگانیک عمل می‌کنند و ارزش‌های دینی را ترویج می‌دهند.
- \* - معلمان: معلمان به عنوان انتقال‌دهندگان دانش و ارزش‌ها، نقش مهمی در شکل‌دهی نسل‌های آینده ایفا می‌کنند.
- \* - رهبران سیاسی: رهبران سیاسی نیز می‌توانند به عنوان روشنفکران ارگانیک عمل کرده و ایدئولوژی خاصی را ترویج دهند.
- \* - هنرمندان: هنرمندان با خلق آثار هنری، می‌توانند به تفسیر جهان و بیان ارزش‌های یک گروه اجتماعی کمک کنند.

### اهمیت روشنفکران ارگانیک در نظریه گرامشی:

- ایجاد هژمونی: روشنفکران ارگانیک با تولید و توزیع ایدئولوژی، به ایجاد و حفظ هژمونی یک گروه اجتماعی کمک می‌کنند.
- \* - مبارزه طبقاتی: در مبارزات طبقاتی، روشنفکران ارگانیک می‌توانند نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به توده‌ها و بسیج آن‌ها ایفا کنند.
- \* - تغییر اجتماعی: برای ایجاد تغییرات اجتماعی، ضروری است که روشنفکران ارگانیکی وجود داشته باشند که بتوانند ایدئولوژی جدیدی را تولید و ترویج دهند. در نهایت، روشنفکر ارگانیک یک مفهوم کلیدی در نظریه گرامشی است که به ما کمک می‌کند تا نقش مهم فرهنگ و ایدئولوژی را در شکل‌گیری و حفظ قدرت درک کنیم.
- در کل، نظریه هژمونی گرامشی یک ابزار قدرتمند برای تحلیل قدرت و مبارزه طبقاتی است. این نظریه به ما کمک می‌کند تا نقش فرهنگ، ایدئولوژی و جامعه مدنی را در شکل‌دهی به جامعه بهتر درک کنیم.

### ارتباط نظریه هژمونی گرامشی و نظریه امپریالیسم لنین

- بین نظریه هژمونی گرامشی و نظریه امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری، ارتباط نزدیکی وجود دارد. هر دو نظریه به دنبال تبیین چگونگی حفظ قدرت و سلطه یک گروه یا طبقه بر گروه یا طبقات دیگر هستند، اما با رویکردها و تأکیدات متفاوت.

### نقاط مشترک دو نظریه عبارتند از مبارزه طبقاتی:

- \* - هر دو نظریه بر اهمیت مبارزه طبقاتی در جامعه تأکید دارند. گرامشی بر نقش فرهنگ و ایدئولوژی در این مبارزه و لنین بر نقش اقتصاد و سیاست تأکید می‌کند.
- \* - سلطه و قدرت: هر دو نظریه به دنبال تحلیل چگونگی اعمال قدرت و سلطه هستند. گرامشی بر مفهوم هژمونی و لنین بر مفهوم امپریالیسم تأکید می‌کنند.
- \* - نقش ایدئولوژی: هر دو نظریه به نقش ایدئولوژی در توجیه و مشروعیت بخشیدن به سلطه اشاره دارند. گرامشی بر نقش ایدئولوژی در ایجاد هژمونی و لنین بر نقش ایدئولوژی در توجیه امپریالیسم تأکید می‌کند.

می‌توان گفت که نظریهٔ هژمونی گرامشی، مکمل نظریهٔ امپریالیسم لنین است. هژمونی به عنوان ابزاری برای توجیه و تثبیت امپریالیسم عمل می‌کند. به عبارت دیگر، برای حفظ سلطهٔ اقتصادی و سیاسی، قدرت‌های امپریالیستی نیازمند ایجاد یک هژمونی فرهنگی و ایدئولوژیک هستند.

به عنوان نمونه یک قدرت امپریالیستی برای حفظ سلطهٔ خود بر کشورهای دیگر، ممکن است از طریق رسانه‌ها، آموزش و پرورش، و سایر نهادهای فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای را ترویج دهد که منافع این قدرت را توجیه کند. این امر باعث می‌شود که مردم کشورهای تحت سلطه، به طور داوطلبانه از سلطهٔ این قدرت پذیرش کنند و حتی آن را به عنوان یک امر طبیعی و مطلوب تلقی کنند.

در نتیجه، هر دو نظریه هژمونی گرامشی و امپریالیسم لنین، ابزارهای ارزشمندی برای تحلیل قدرت و روابط اجتماعی هستند. با ترکیب این دو نظریه، می‌توان درک عمیق‌تری از چگونگی حفظ و تغییر نظام‌های قدرت در سطح ملی و بین‌المللی به دست آورد.

[۲۷ جنوری ۲۰۲۵](#)